

یادنامهٔ میرزا رضا کلهر

آیه الله سید مرتضیٰ نجومی - کرمانشاه



دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه تست
شیفتگی من بندهٔ ناتوان را به هنر. ذوق و کمال
به ویژه خط زیبا همگان دریافته اند، «همه دانند که
من سبزه خط دارم دوست» کوس این عشق و
شیدایی را به سر هر کوی و برزن چنان نواخته اند
که سوختن و نهران کردنش رانه یارایی هست و نه
صلاحی و خداوند را سپاس بر این عشق و
شوریدگی تا دم بدم افزون باد.

عزیز من کرمانشاهان در میان «المتة لله که در
میکده باز است» بهانه ای شیرین و توفیقی الهی
است تا سر ارادتی بر آستان او نهم و مرا هم از

و اینک ره آوردی تازه از راه رسیده و نوایی
نوین به گوش جان اهل هنر و فضل در افتاده و
ذکر جمیل میرزای کلهر خوشنویس بی نظیر شهر

آن که عاشق مرز و بوم بدانند، چه باک و چه افتخاری از این به. مگر روزگار دست دهش و بخشش چنین بزرگانی را همیشه دارد.

گر من سخن نگویم در وصف روی و مویت
آئینه ات بگوید پنهان که بی نظیری
خوشنویسی چنین نامدار در طی چند قرن
مشق و ممارست و توجه و نظر دقیق به
نوشته های استادان به ویژه استاد اسایتد قرون میر
عماد و با تمرین مداوم شبانه روزی و دست از
مزد و معاش کشیدن ممکن است پدیدار آید آن
هم به مدد الهی و ایمان قلبی و صفای درونی او و
سپاس خداوند را که لطف الهی او چنین اقتضا
فرموده است که فطرت خدایی انسان ها شیفته و
شیدای هنر و زیبایی باشد. همگان می دانند که
دین مقدس اسلام دین هنر و زیباییست.
روژه گارودی در کتاب خود (هنر اسلام) باب اول
آن را «اسلام، دین زیبایی» نام نهاده است. در
میان هنرهای زیبای اسلامی هنر خط از ویژگی
خاصی برخوردار است که نه تنها هنر بلکه
عبادت است و این امتیاز و ویژگی از آن جاست
که سر و کار این هنرمند با کلام خداوندی و
احادیث پیغمبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و

کلمات بزرگان و مفاهیم عالیه و مضامین راقیه
ادراکات بشری است. هنرمند خوشنویس در
بُعدی معنوی و جوّی از زیبایی ها و جمال ها،
حُسن ها و خوبی ها، عشق ها و شیفتگی ها زندگی
می کند. کاتبان بزرگ و خطاطان نابغه ای که شیفته
و غرق در هنر خط و معنویت اویند غالباً
اشخاصی آراسته بلند همت، والا و بی اعتنا به
مال و ضال گوئی که با انبیاء و اولیاء و بزرگان
محشورند، رنگ نبوغ و برجستگی در آنان
متجلی می گردد، حالات میرعماد و میرزا
محمدرضای کلهر گواهی صادق بر این مطلب
است. میرزا در عین آنکه بر قلّه استادی و قواعد
پسندیده و سبک خود استوار و محکم ایستاده
است، باز هم در کمال تقوی و تدین حیات خود را
به نان حرام و کرنش ناصالح نمی آید. نماز
جماعت و غسل جمعه اش ترک نمی شود. گردنان
دیوانی که با خون مستمندان و فقراء عجین است
نمی گردد، «إِنَّهُوَ طَعَامُ الْأَمْرَاءِ فَإِنَّهُ مَسْجُونٌ بِدَمِ
الضُّعَفَاءِ» خوی مردی و مردانگی، شجاعت و
غیرت ایلی و عشائری، جوانمردی و مهمانداری
و بزرگ منشی و (رفاقت با سید لطفعلی) و تقوای
شخصی و قداست هنر خود را در تمام حیات و

زندگی خود محفوظ نگه می‌دارد. استادان محترم رفعت مقام و ابعاد هنر او را به تفصیل بیان می‌دارند چه بهتر که بنده هم به تقوای آن مرحوم و تحفظ بر قداست مقام هنرش اشاره‌ای داشته باشم که کمتر بدان پرداخته‌اند.

اعتمادالسلطنه یا در حقیقت میرزا محمدحسین فروغی در المأثر و الآثار (چاپ حروفی ص ۲۷۵) چنین می‌گوید: در خط نستعلیق بعد از میرعمادقزوینی بهتر از وی کسی را نشان نداده‌اند... مردی درویش منش، خوشخوی، سبکروح بذله گوی است. محضری مطبوع دارد و طلعتی محبوب. با همه اشتها صیتش در آفاق و تقدمش بر کافه خطاطین علی‌الإطلاق هنوز از دیوان اعلی راتبه‌ای نخواسته و جرایه‌ای نگرفته است و برگ و ساز معاش همی از اجرت کتابت می‌کند و به هنر باز و حاصل سرپنجه خویشتن روزگار می‌گذرانند. این شرح حال را با ترجمه مختصر یک سطر و نیمی خطاطی بلند آوازه و نامی که در همان کتاب قبل از نام میرزا آورده شده است بسنجید. به راستی چگونه است که مقام هنری و فضایل اخلاقی میرزا را چنین می‌ستاید با آن که خیال می‌کنم اعتمادالسلطنه را با میرزا

علاقه‌ای نبوده و به همین جهت هیچ نامی از او در روزنامه خاطرات خود نمی‌آورد. زیرا میرزای بلندنظر و آزادمنش سر تعظیم به کسی فرود نمی‌آورد و بدین سبب ناگهان سر از تعلیم بچه دردانه‌های پولداران سرباز می‌زده است. تقوای میرزا اجازه نمی‌داده است که از هر کس و هر جا پول و نان و آب قبول نماید و از هر کس و ناکس که کاملاً با خلیقات آنان آگاه و واقف بود منت کشد و کرنش و تواضع کند. یا سر یاری و همراهی با وطن‌فروشان و خائنانی که با توارث خانوادگی تمام قد در خدمت بیگانگان بودند نباشد، به ویژه که او معاشر با مرحوم آفاشیخ‌هادی نجم‌آبادی سر دست زاهدان و آزادگان بوده و خود مرحوم حاج شیخ که علماً و اخلاقاً از مفاخر قرن اخیر ایران بوده به کمک جمعی از خواص اصحاب خود به غسل و کفن و دفن مرحوم میرزا قیام نموده است. کسی که در یک هفته دو پسر خود را از دست بدهد و با آن همه لطافت طبع و ذوق باز هم دو بیٹی بخواند به این مضمون که اگر قربانی‌های دیگر برای آستان دوست لازم باشد با خوشحالی تقدیم می‌کند (یادگار سال اول - شماره نهم - ص ۵۰). این انسان به راستی آزاده از پول،

تنعم، لذت و مجالس مؤانست با مُلک‌ها و دوله‌ها نیست. میرزا را کجا می‌توان قیاس کرد با آنان که دو اطاقی چون سر طویله در گوشه خانه ثروتمندی کبوتر باز بگیرند و به قطعه‌نویسی برای صاحبخانه پردازند و تاریخ تولد پسرشان را نیز با سیاه‌مشق قطعه‌کنند. میرزا از اشتغال در وزارت انطباعات سزای می‌زند و به همت بلند و آزادمنشی به اندک حق‌الکتابه و مختصر کتابتی قناعت می‌ورزد و این را شاید خیلی‌ها از تفانی در هنر و ایثار در راه آن با همان هنر برای هنر بدانند و این‌طور نبوده است. دیانت و تقوای میرزا و بلند نظری و تقدیس مقام هنر مانع بوده است تا با زندگی اعیان و اشرافی که آلوده به انواع معاصی بوده است بسازد و میرزایی که نان و طعام امرا را عجین با خون فقراء می‌دیده است کجا رغبت می‌کرده شکم خود را از مال حرام آنان پر کند. به قول عباس اقبال در مجله یادگار سال اول، شماره ۷، تنها موقعی که میرزای کلهر تا حدی حاضر شد که جزء دستگاه دولتی باشد در سال ۱۳۰۰ قمری بود که در سفر دوم ناصرالدین شاه به خراسان از پنجم شعبان تا هشتم ذی‌الحجّه ۱۳۰۰ شرکت نمود و روزنامه اردوی همایون را در راه کتابت

نمود. زندگی قانعانه میرزا مجال زیارتی به او نمی‌داده است شاید رغبت به زیارت مشهد و همسفری با ناصرالدین شاه و اردوی همایون از این محاسبه نفس بوده است.

عباس اقبال در مجله یادگار می‌گوید: میرزای کلهر مردی بود بسیار پاکدامن و هنر دوست و پاکیزه سیرت و مهماندوست و بی‌اعتناء به دنیا و تعنیات آن. به هنر خود عشقی خاص داشت و پیوسته کار می‌کرد و قطعاتی را که می‌نوشت اگر توهم می‌کرد که حرفی یا کلمه‌ای از آن درست از آب در نیامده به هیچ قیمت به دست هیچ‌کس نمی‌داد و آن‌ها را پاره یا سیاه می‌کرد و با آن‌که بسیار تنگدست و در سایه قناعت می‌زیست. هرچه داشت با دیگران می‌خورد و اگر به غذای روز خود اطمینان داشت ممکن نبود که واردین به خانه خود را طعام نخورده از آن‌جا مرخص کند. بلی چنین بوده است و میرزا از عشق خاص و پیوستگی مشق کاملاً به رموز خط نستعلیق و والایی رتبه او کاملاً آشنا شده و بسیار دیر و مشکل‌پسند شده است. مناعت طبع و علوّ همتش سبب بوده تا خطوطش به آب روان شسته شود اما به دست نااهلان هنری نیفتد. چقدر توان و قوت

نفس و اراده می‌خواهد که انسانی این قدر هنرمند و بزرگوار سال‌ها شب و روز و مداوم مشق کند و نکات ارزنده خط را پدیدار نماید بی آن‌که کوس هنرمندی خود را به سر هر کوی و برزن بزند و دنیا را از لاف و بلوف خود پر کند و این بزرگ شاهدهی است بر پاکدامنی و بلند نظری و هنر دوستی او. خیال می‌کنم متانت و تقیّد میرزا به قیود کلاسیک خط نستعلیق و قواعد مقررّه که یک هزارم مو تخلف نپذیرد سبب بوده است تا میرزا به طور مداوم مشق نستعلیق فرماید. و،

اختر از چرخ به زیر آرد و پاشد بورق

گوهر از کلک برون آرد و ریزد به کنار

و بشکسته نپردازد با آن‌که خود از شکسته‌نویسان بزرگ و استادان درست خط شکسته است. مثل آن‌که ابهت کلمات و قواعد خط نستعلیق چنان میرزا را به خود مشغول می‌داشته که مجال پرداختن به تفنّن‌گوناگون و هنرمندی رنگارنگ نداشته است.

آزادگی و بلندهمتّی او خود سببی بوده تا با موج مخالفان و مقلّدان و پیروان مکتب استاد قرون میرعماد حسنی سیفی از میدان در نرود تا شیوه و اسلوب خاص خود را (که نمونه بارز و

بی‌نظیرش سر مشق چاپ شده در یادگار سال اول، شماره ۷ ص ۴۸ است) جانشین شیوه سابقین کند، همان‌طور که میرعلی هروی و میرعماد سیفی قزوینی نیز شیوه خاصی عرضه داشته و تغییراتی بنیادی را در خط نستعلیق بنیاد نهادند و پر بیجا نیست که او را ثالث میر عالی و میر عماد دانستند. خداوند متعال رحمت کند میرزا را که گرچه دستنوشته خط او بسیار کم است اما آن‌چه که هست چون برگ زر و پرنده خوش ببال و پر، دست به دست می‌برند و اگر هر چه هم در ازاءش پردازند خوشند که سیم درهمی چند ناقابل داده و جان عالمی را خریده‌اند. ■



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی